

همه رهبران بزرگ دنیا آموخته بودند که چگونه خودباوری و بی‌گمانی را پیش از هر کس و نخست از درون خودشان ببینند و باور کنند.

www.mandegardaily.com

سل ششم: شماره ۱۴۷۱: شنبه ۱۸ دلو/ بهمن ۱۳۹۳: ۱۷ ربیع الثانی ۱۴۳۶: ۷ فبروری ۲۰۱۵

نگرانیم این پروسه بزرگ ملی، قربانی یک ائتلاف لجام گسیخته گردد



قبل از آغاز کمپاین‌های انتخاباتی بود که تصمیم بر آن شد تا ادامه فعالیت‌های آجندای ملی را الی ختم انتخابات، با دیپلماسی میان‌جیگری میان نامزدان انتخابات به پیش ببریم. زیرا طرح تشکیل دولت وحدت ملی طرح پیشنهادی آجندای ملی بود.

این گزینه و انتخاب بورد مشورتی آجندای ملی، برای آن بود تا با توافق روی طرح دولت وحدت ملی از آمدن بحران جلوگیری صورت گیرد؛ تنش‌ها پائین آید، اعتماد بالا برود، انتخابات موفق شود و نامزدان برنده در چارچوب توافق شده، دولت وحدت ملی را تشکیل دهند و در کل، افغانستان، دموکراسی و همه برنده شوند....

ادامه صفحه ۶

راه دشوار مدنیست!

بررسی پرونده محاکمه صحرائی آدم‌ربایان



صفحه ۶

افسران ارتش افغانستان در ایت آباد پاکستان



نفس تلاش پاکستان برای کشاندن سربازان افغانستان به مراکز آموزشی نظامی خویش، پرسش برانگیز است. چرا اسلام‌آباد از سال‌ها بدین سو تلاش می‌ورزد تا افغانستان را متقاعد سازد که به این کشور به منظور آموزش نظامی نیرو بفرستد؟ واضح است که در عقب این برنامه می‌خواهد نفوذ خویش را در درون نیروهای امنیتی افغانستان و به ویژه ارتش و استخبارات افزایش ببخشد. حکومت پیشین افغانستان به‌رغم اصرار پاکستان هرگز حاضر نشد که به این کشور سرباز بفرستد؛ اما به نظر می‌رسد که حکومت جدید پس از رفتن رییس جمهور غنی به اسلام‌آباد و لاهور، به توافق‌هایی با این کشور دست یافته است. شاید یکی از توافق‌ها فرستادن سربازان ارتش افغانستان به منظور آموزش نظامی به پاکستان باشد. چیزی که می‌تواند پیامدهای مرگباری برای نیروهای امنیتی افغانستان داشته باشد

صفحه ۶

غنی در کنفرانس مونیخ سخنرانی می‌کند

موضوع کنفرانس «سقوط نظم جهانی» است



در شرایطی که جهان شاهد بحران دیپلماسی است، چشم جهان هم‌اکنون به مونیخ دوخته شده تا ببیند که آیا این کنفرانس می‌تواند راه‌حلی برای از سرگیری تلاش‌های دیپلماتیک پیشنهاد کند یا خیر. در حالی که جنگ وحشیانه داعش در خاورمیانه و درگیری در شرق اوکراین تاکنون هزاران کشته بر جای گذاشته است، شرکت‌کنندگان در کنفرانس مونیخ تلاش دارند تا راهی به سمت راه‌حل مذاکره‌شده بیابند.

ادامه صفحه ۶

ولفگانگ ایشینگر، مدیر...

با تقلید از کار وحشیانه داعش طالبان شیندند یک فرمانده خود را آتش زدند



طالبان مسلح در هرات، یک فرمانده مشهور خود را آتش زده و دو تن دیگر از همراهانش را کشتند. مقامات محلی هرات با تایید این رویداد گفته‌اند که این حادثه روز گذشته در منطقه «بلوک زاؤل» این ولسوالی صورت گرفته است. گفته شده که این فرد «قوماندان امنیه» نام نهاد طالبان بوده که در گذشته از...
ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



خروج از افغانستان؛ طرحی منطقی یا عجولانه؟

اندیشه‌های سیاسی در میان مسلمانان



آب از سرچشمه گل‌آلود است

طرح تازه وزارت معارف برای با سواد شدن دختران مسجد جای‌گزین مکتب شود



احمد عمران



طرحی منطقی یا عجیب و لانه؟ خروج از افغانستان؛

سخن ماندگار

رییس جمهور

گرگ را چوپان گرفته است

رییس جمهور غنی در پی سروصداها به هدف ایجاد اصلاحات در نهادهای انتخاباتی کشور، به معاون دوش وظیفه سپرده است که در مشورت با نهادهای انتخاباتی از جمله کمیسیون مستقل انتخابات و نیز نهادهای مدنی، چه گونه گوی اصلاحات در کمیسیون مستقل انتخاباتی را مشخص کند.

بر بنیاد توافق نامه سیاسی، مهم ترین اولویت دولت وحدت ملی، اصلاح نهادهای انتخاباتی است و مبنای انعطاف سیاسی در آن زمان و تشکیل دولت وحدت ملی را همین درج مورد «اصلاح نهادهای انتخاباتی» در توافق نامه سیاسی فراهم کرده بود. اما حالا با گذشت ماهها از تشکیل دولت جدید، نه تنها هیچ توجیهی به اصلاح نهادهای انتخاباتی صورت نگرفته، بلکه این کمیسیونها مقتدرتر از گذشته به ارایه برنامه های شان می پردازند و تلاش دارند که تدویر انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی های کشور را روی دست گیرند.

با این حال، یک بار دیگر رسانه ها و دیگر نهادهای مدنی فشارهایی را بر ریاست جمهوری وارد کرده اند که باید در کمیسیون های انتخاباتی، اصلاحات بنیادی صورت بگیرد. اما حالا ریاست جمهوری طی فرمانی به معاون دوش وظیفه داده است که در واقع در همسویی و مشورت با نهادهای انتخاباتی، به اصلاح این نهادها بپردازد؛ حکمی که فقط می تواند ریشخند یا نیشخند رییس جمهوری به بحث اصلاح نظام انتخاباتی تعبیر شود.

در خبرنگارهایی که در سایت ارگ به نشر رسیده، آمده است که محمد اشرف غنی رییس جمهوری اسلامی افغانستان به آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی متعهد می باشد و به قانون پوه محمد سرور دانش معاون دوم ریاست جمهوری وظیفه سپرده است تا در مشورت با کمیسیون مستقل انتخابات و جامعه مدنی، مسایل مربوط به اصلاحات در کمیسیون مستقل انتخابات را تشخیص نماید.

در این خبرنگار آمده است که طرح پیشنهادی اصلاحات در نظام انتخاباتی کشور، از سوی جامعه مدنی به ریاست جمهوری مواصلت ورزیده و گفته شده است که پس از مشورت های لازم با جامعه مدنی، احزاب سیاسی و متخصصین انتخابات (مسئولان نهادهای انتخاباتی)، اصلاحات لازم در زمینه انجام خواهد شد. این اقدام رییس جمهوری به معنای آن است که کسی بیاید و برای اداره رمه هایش، گرگ را چوپان بگیرد و وقتی گرگ چوپان شود، دیگر هیچ رمه بی سالم نخواهد ماند.

مسئله مسوولان نهادهای انتخاباتی، خود گرگ آرای مردم اند و اعتماد مردم را دریده اند، چه گونه ممکن است که همین افراد متهم مأمور ایجاد اصلاحات شوند؟

فرمان جدید رییس جمهور در مورد ایجاد اصلاحات در نهادهای انتخاباتی، حکایتی نیست جز این که رییس جمهوری هیچ عزم و اراده ای برای اصلاح نهادهای انتخاباتی ندارد و صرفاً می خواهد ذهنیت عامه را با این نوع فرمانها اغفال کند. از طرف دیگر، نهادهای مدنی اگر چه صلاحیت ارایه طرح به ریاست جمهوری را در چنین زمینه هایی دارند، اما این که کدام نهادهای به نام مدنی چه طرحی را به رییس جمهوری داده اند، معلوم نیست. اما روشن است که حالا نهادهای مدنی زیادی داریم که هر کدام به بخشی و فردی وابسته اند و فقط نامی از مدنیت بر این نهادها به جا مانده است.

به هر صورت، مشکل نهادهای انتخاباتی، بسیار آشکار است و نیاز به هیچ طرح مبسوطی وجود ندارد. باید اصلاحات لازم از الف تا یای کمیسیون های انتخاباتی صورت گیرد و در قدم نخست، باید مسوولان عالی رتبه نهادهای انتخاباتی برکنار شوند و بعد، باید اصلاحات عمیق و گسترده در ساختار هر دو نهاد به خصوص در بدنه دارالانشای کمیسیون انتخابات و ریاست عملیاتی و ریاست تخنیک این کمیسیونها صورت گیرد، آن هم به گونه ای که همه رییسان و مأموران درجه اول این بخشها برکنار و افراد امانت دار و جدید به جای آنها گماشته شوند.

البته این را هم باید بدانیم که این مأمول با شتاب زده گی و عجله فراوان ممکن نیست؛ از این رو باید برای تحقق اصلاحات بنیادی، برگزاری انتخابات پارلمانی به تعویق بیفتد و فرصت کافی برای این کار در اختیار اصلاح گران قرار گیرد. رییس جمهوری نیز باید درک کند که واقعیتها را نمی توان نادیده انگاشت و از اجرای مفاد توافق نامه سیاسی و انتظارات برحق مردم روی گشتاند.

مردم به اشکال گوناگون قربانی گرفت. حضور نیروهای خارجی در کشور را باید با نگاهی انتقادی دید، اما نه با نگاهی خصمانه و از عینک جنگ طلبان و گروه های افراط گرایی که خواهان پایان دادن به دموکراسی و مردم سالاری اند. نگاه انتقادی حکم می کند که منصفانه و نه از روی بغض به مسایل نگاه کنیم. اما در نگاه آقای خرم و طرفداران او، چنین نگاه منصفانه به قضایا وجود ندارد. لاف اقل آقای کارتر به گونه واقعی تر مسایل را بررسی کرده است. او گفته که تصمیم اوپاما را در مورد خروج کامل نیروهای امریکا از افغانستان تأیید می کند اما اگر ببیند که اوضاع این کشور رو به وخامت بیشتر می گذارد، بدون شک طرح تجدید نظر نسبت به خروج کامل نیروها را ارایه خواهد کرد.

بر اساس تصمیم باراک اوپاما، برنامه خروج سربازان امریکایی از افغانستان، از پایان سال ۲۰۱۴ آغاز شده و قرار است که صرف ۱۰۶۰۰ مرپی نظامی در کنار نیروهای افغانستان حضور داشته باشند. مبتنی بر طرح آقای اوپاما، این بخش از نیروهای آموزشی نیز در پایان سال ۲۰۱۸ افغانستان را ترک می کنند و تنها یک هزار سرباز امریکایی برای حفاظت از مراکز دیپلماتیک این کشور در افغانستان باقی می ماندند.

در همین حال، وینسنت استیورت، رییس آژانس اطلاعات دفاعی امریکا گفته است که گروه طالبان تا پایان سال ۲۰۱۸ توانایی حمله به مراکز شهری و روستایی را خواهد داشت. به باور آقای استیورت، گروه طالبان تلاش می کند که جنگ در افغانستان را وسعت بخشد. به گفته این نظامی امریکایی ضرورت است که در سال ۲۰۱۵ توانایی های نیروهای افغانستان در مقابله با طالبان افزایش پیدا کند. آقای وینسنت استیورت بر تجهیز و تمویل نیروهای امنیتی افغانستان تأکید کرده تا این نیروها در برابر تروریستان ایستاده گی کنند. او هم چنان گفته است که طالبان افزون بر حملات شان بر مناطق روستایی افغانستان، در مرکز کابل نیز حملاتی را انجام خواهند داد تا باور عامه را در مورد توانایی های نیروهای امنیتی افغانستان کاهش دهند.

امپریالست های غربی به گونه پروژیهی خلق شده اند. این دیدگاه بدون شک با نگرانی هایی که نامزد پنتاگون در نوشته کتبی خود به سنای امریکا ارایه کرده و یا آن چه که نخست وزیر استرالیا گفته است، از زمین تا آسمان تفاوت را نشان می دهد. یکی می خواهد اشتباهات دوره مأموریت خود را توجیه کند و دیگری تلاش دارد تصویری دقیق از وضعیت کشوری به دست دهد که بیشتر از یک دهه نیروهای خارجی در آن درگیر جنگ با گروه های هراس افکن و افراطی بوده اند. این دو دیدگاه البته به دو اردوگاه متفاوت می تواند تعلق داشته باشد. به میزانی که دیدگاه های حمایت از حضور نیروهای خارجی در افغانستان می تواند طرفدار داشته باشد، به همان میزان دیدگاه مخالف آن نیز طرفداران خود را دارد. همان گونه که آقای کارتر در دیدگاه های خود تنها نیست، جناح مخالف نیز تنها به کریم خرم و افراد موجود در کنار رییس جمهوری پیشین خلاصه نمی شود. هر دو دیدگاه می تواند طرفداران و مخالفان خود را داشته باشد ولی مسأله مهم در این معادلات، وضعیت افغانستان است که باید با دیدی واقع گرایانه و منطقی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد.

جامعه جهانی بیش از یک دهه در افغانستان حضور نظامی و سیاسی داشته و بسیاری اتفاقات مهم این دوره به کمک جامعه جهانی رقم خورده است. جامعه جهانی افزون بر کمک های میلیارد دلاری به افغانستان، هزاران سرباز خود را نیز در پی فیصله شورای امنیت سازمان ملل، برای مهار شورش گری اعزام کرد. حضور سربازان امریکایی در افغانستان، دقیقاً خواستی بود که از سوی حامد کرزی رییس جمهوری پیشین مطرح شده بود و او یکی از اصلی ترین طرفداران حضور نیروهای خارجی در افغانستان بود.

حضور نیروهای خارجی در افغانستان، خالی از مشکلات نبوده و نباید تنها یک روی سکه را در این خصوص دید. روی دیگر سکه این است که حضور نیروهای خارجی باید برای افغانستان ارمان آور صلح، امنیت و نظم و قانون می بود که متأسفانه نبود آن در بیشتر از یک دهه، از

برخی مقام های امریکایی اخیراً نسبت به آینده افغانستان دچار تردید شده اند. اشتون کارتر وزیر پیشنهادی باراک اوپاما رییس جمهوری امریکا برای وزارت دفاع این کشور، گفته است که احتمال دارد برنامه خروج نیروهای امریکایی در پایان سال ۲۰۱۵ مورد بازنگری قرار گیرد. آقای کارتر گفته است که در صورت وخیم شدن وضعیت امنیتی افغانستان، برنامه کنونی خروج تمامی نیروهای امریکایی تا آخر سال آینده را تغییر خواهد داد.

پیش از این، نخست وزیر استرالیا نیز نسبت به وخامت اوضاع افغانستان پس از خروج تمامی سربازان امریکایی ابراز نگرانی کرده بود و از این کشور خواسته بود که در این مورد از احتیاط بیشتر کار بگیرد. در همین حال فراموش نباید کرد که در هفته گذشته، نشر مقاله کریم خرم رییس دفتر رییس جمهوری پیشین افغانستان هم که عمدتاً به بدتر شدن وضعیت افغانستان اشاره داشت، بازتابی گسترده یافت. البته میان دیدگاه های آقای خرم با دیدگاه های جامعه جهانی در خصوص اوضاع افغانستان همسانی وجود ندارد؛ اما این دیدگاهها در یک جا به نقطه مشترک می رسند و آن بر سر مسأله واحد یعنی احتمال وخامت اوضاع افغانستان.

مقام های جامعه جهانی عمدتاً حضور گروه های هراس افکن و حمایت های منطقه ای از این گروهها را عامل اصلی نگرانی خود در مورد احتمال وخامت اوضاع افغانستان پس از خروج تمامی سربازان خارجی می دانند؛ اما آقای خرم که آبخخور اصلی دیدگاه های نظرات رییس جمهوری پیشین کشور است، وخامت اوضاع کشور را به سیاست های هژمونستی و سلطه طلبانه امریکا مربوط می داند که در پس زمینه حوادث منطقه حضور پررنگ دارد. تیم آقای کرزی باور دارد که آنچه در افغانستان و منطقه اتفاق می افتد، برآیند سیاست های امریکاست که با مهارت و زیرکی طراحی شده و یکی پس از دیگری به اجرا گذاشته می شود. آقای خرم و هم اندیشان او به این نظر اند که ظهور داعش و گروه های افراطی در منطقه هیچ رابطه ارگانیک با مشکلات جوامع درگیر بحران ندارد، بل به صورت عمدی به وسیله

چین با هر کشوری که پذیرای دالایی لااما باشد، مخالف است



وزارت امور خارجه چین روز جمعه بار دیگر از مخالفت پکن با هر کشوری که پذیرای رهبری معنوی بوداییان تبت باشد، خبر داد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، سخنگوی وزارت امور خارجه چین در یک کنفرانس خبری روزانه گفت: پکن با کشورهای که دالایی لااما، رهبری معنوی بوداییان تبت را پذیرا هستند، مخالف است و همچنین با سایر کشورهایی که به مداخله در امور داخلی چین دست می‌زنند، مخالفت می‌کند.

این اظهارنظرها از جانب وزارت امور خارجه چین پس از آن مطرح شد که باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا با دالایی لااما در یک مراسم سالانه صبحانه دعای ملی در واشنگتن روز پنجشنبه خوش و بش کرد اما با وی دیدار مستقیم و دو جانبه‌ای نداشت.

رویترز گزارش کرده اوباما تنها برای دالایی لااما سر تکان داد، لبخند زد و به سبک راهبان بودایی به او سلام کرد.

اوباما که به گفته کاخ سفید «رابطه‌ای عمیق» با دالایی لااما دارد پیش از این سه بار با رهبر معنوی تبت دیدار کرده که آخرین مورد آن مربوط به فروردین سال گذشته بوده است.

پیش از این در دسمبر پاپ، رهبر کاتولیک‌های جهان، درخواست دیدار دالایی لااما را رد کرد و دلیل آن را «شرایط حساس» چین عنوان کرد.

در سال ۱۹۵۹ چین برای سرکوب اعتراضات در تبت نیروهای خود را به آنجا فرستاد و به دنبال آن دالایی لااما به هند گریخت. او طرفدار «راه حل میانه» با چین است که مطابق آن به تبت خودگردانی داده شود، بدون اینکه از چین مستقل باشد.

مدودف:

مشکلات اقتصادی روسیه راه حل ساده‌ی ندارد



نخست‌وزیر روسیه روز جمعه تأکید کرد که برای مشکلات اقتصادی کشورش راه‌حل‌های ساده‌ای وجود ندارد و ممکن است یک و یا دو سال لازم باشد که شرایط فعلی ترمیم شود.

به گزارش خبرگزاری نووستی، دیمیتری مدودف، نخست‌وزیر روسیه تأکید کرد که مسکو با چالش‌های اقتصادی روبرو شده است و یک یا دو سال زمان برای احیای دوباره اقتصاد روسیه زمان لازم است.

مسکو به شدت از سقوط بهای جهانی نفت و تحریم‌های غرب مرتبط با بحران اوکراین لطمه دیده است و انتظار می‌رود که وارد رکود اقتصادی شود.

نفت؛ اهرم فشار ریاض بر مسکو



گفت‌وگوها بر متقاعد کردن ولادیمیر پوتین برای توقف حمایت از رییس جمهوری سوریه در ازای افزایش قیمت نفت که می‌تواند اقتصاد مسکو را تقویت کند، متمرکز شده است.

عربستان سعودی تلاش دارد تا ولادیمیر پوتین، رییس جمهوری روسیه را برای توقف حمایت‌ها از دولت بشار اسد، رییس جمهوری سوریه تحت فشار قرار دهد و این اقدام را با استفاده از سلطه خود بر بازارهای نفتی جهان و در شرایطی انجام می‌دهد که دولت مسکو از اثرات کاهش شدید قیمت نفت ضربه خورده است.

به گفته مقام‌های آمریکایی و سعودی، عربستان و روسیه طی ماه‌های گذشته بحث و مذاکرات بسیاری در این باره داشته‌اند اما این بحث‌ها تاکنون پیشرفت چشمگیری نداشته است. هنوز مشخص نیست که مقام‌های سعودی در جریان مذاکرات چطور مساله نفت را به موضوع سوریه ربط داده‌اند، اما مقام‌های سعودی به مقام‌های آمریکایی گفته‌اند که آنها اهرمی علیه ولادیمیر پوتین در اختیار دارند چرا که می‌توانند برای کاهش عرضه نفت و یا احتمال

افزایش قیمت‌ها از توانایی‌های خود استفاده کنند. یکی از دیپلمات‌های سعودی می‌گوید: «اگر نفت بتواند در خدمت برقراری صلح در سوریه قرار بگیرد، بنابراین جای تعجب ندارد که عربستان سعودی بخواهد برای رسیدن به معامله تلاش کند.» هرگونه تضعیف حمایت روسیه از بشار اسد می‌تواند یکی از اولین نشانه‌هایی باشد که جنجال و هیاهوی اخیر در بازار نفت بر روی کشورداری جهانی گذاشته است. مقامات عربستان در ظاهر گفته‌اند که قیمت نفت تنها نشان دهنده عرضه و تقاضای جهانی است و تأکید کرده‌اند که عربستان سعودی اجازه نمی‌دهد مسائل ژئوپولیتیکی بر دستور کار اقتصادی آنها اثر بگذارد. با این حال، آنها بر این باورند که کاهش قیمت نفت می‌تواند مزایای دیپلماتیک جانبی برای استراتژی فعلی این کشور داشته باشد و پایین نگه داشتن قیمت نفت می‌تواند فرصتی را برای مذاکره درباره خروج بشار اسد از قدرت فراهم کند.

با این حال پوتین بارها نشان داده است که وی ترجیح می‌دهد که با شرایط بد اقتصادی دست و پنجه نرم کند تا اینکه زیر بار فشارهای خارجی دست به تغییر سیاست‌های خود بزند. تحریم‌های اعمال شده از سوی ایالات متحده و کشورهای اروپایی باعث نشده است که مسکو به دخالت نظامی خود در اوکراین پایان دهد و پوتین در حمایت خود از بشار اسد ثابت قدم مانده و وی را در منطقه‌ای که به طور فزاینده زیر دست فعالیت افراط‌گرایان ناآرام شده است، به صورت یک سد می‌بیند.

به گفته یک مقام دولت اوباما، سوریه برای هیات عربستانی که ماه نوامبر به مسکو رفت بود، یک موضوع مهم تلقی می‌شد و براساس این اظهارات، دو کشور در طول چندین ماه گذشته گفت‌وگوهای مداومی در این رابطه داشته‌اند. اما هنوز مشخص نیست که مرگ ملک عبدالله، پادشاه عربستان در ۲۳ جنوری چطور می‌تواند بر روی این مذاکرات که سعودی‌ها به صورت محرمانه انجام داده‌اند، تأثیر بگذارد.

روسیه یکی از حامیان ثابت قدم رییس‌جمهور سوریه است و از سال‌ها پیش برای تقویت نیروهای اسد در مقابل گروه‌های شورشی از جمله داعش به دولت دمشق تجهیزات نظامی فروخته است و همه چیز از قطعات یدکی گرفته تا کمک‌های تخصصی برای آموزش تک‌تیراندازان و تعمیر و نگهداری هلی‌کوپتر شامل این حمایت‌ها می‌شود.

عربستان با داشتن یک‌پنجم ذخایر نفتی جهان، بازیکن پیشرو در اوپک است و با هر تلاش این سازمان برای افزایش قیمت نفت با استفاده از کاهش تولید، مخالفت کرده است. امتناع عربستان برای حمایت از چنین اقدامی با وجود کاهش گیج‌کننده قیمت نفت باعث شده است تا نظریه‌های بی‌شماری در مورد دستور کار خاندان سلطنتی عربستان به وجود آید و مقامات سعودی اشاره

کرده‌اند که این کشور بسیار خوشحال است که با کاهش قیمت‌ها می‌تواند تولیدکنندگان رقیب را که از تکنیک‌های گرانقیمت شیل استفاده می‌کنند، مجازات کند.

سناتور آنگوس کینگ، از سناتورهای مستقل ایالت مین آمریکا که به تازگی از سفر به عربستان بازگشته است، می‌گوید: «آنها اهرمی اساسی در دست دارند. آنها بیش از کشورهای دیگر عرصه برای وارد آوردن فشار به دیگر کشورها در اختیار دارند. تفاوت این درست مثل فردی است که یک میلیون دالر در بانک دارد با کسی که تنها به صورت روزمره امرار معاش می‌کند.»

اثرات کاهش بهای نفت در عربستان به خوبی حس شد، اما ذخایر غنی از نفت این کشور و ثروت انباشته‌شده، قدرتی به آنها می‌دهد که بیش از یک کشور تولیدکننده صرف نفت باشند. عربستان نیاز دارد که بهای نفت به بیش از ۱۰۰ دالر در هر بشکه برسد تا از این طریق بتواند هزینه‌های عمومی از جمله بودجه و لخرچانه خود را برای پروژه‌های زیرساختی تأمین کند. قیمت فعلی نفت حدود ۵۵ دالر در هر بشکه است و عربستان در سال ۲۰۱۵ با حدود ۲۹ میلیارد دالر کسری بودجه مواجه خواهد شد.

اما پادشاهی عربستان حدود ۷۳۳ میلیارد دالر ذخیره سرمایه‌گذاری در بخش‌های کم خطر خارج دارد و می‌تواند چند سالی را بدون آنکه متحمل درد و رنج چندانی بشود، سر کند. روسیه و ایران اما چنین ذخایری ندارند؛ این مساله برای تولیدکنندگان نفت شیل در آمریکای شمالی نیز صدق می‌کند.

سعودی‌ها بیشتر نیز پیشنهادات فریبنده اقتصادی به رهبر روسیه داده بودند تا مسکو در ازای آن بر روی مسائل منطقه‌ای از جمله سوریه سازش کند اما بهای نفت هرگز تا این حد پایین نیامده بود. هنوز مشخص نیست که این مذاکرات چه تأثیری بر جای خواهد گذاشت؛ در صورتی که اثری وجود داشته باشد. در حالی که ایالات متحده از ابتکار عمل‌ها برای پایان دادن به حمایت روسیه از اسد پشتیبانی می‌کند، اما هرگونه موفقیت سعودی‌ها در این زمینه برای کاهش تولید و افزایش بهای جهانی نفت می‌تواند به بخش‌های بسیاری از اقتصاد آمریکا ضرر بزند.

پس از نشست مسکو میان شاهزاده سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان و سرگنی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در ماه نوامبر، لاوروف این ایده را که سیاست‌های بین‌المللی باید در تعیین قیمت نفت ایفای نقش کند، رد کرد. لاوروف گفت: «ما چشم در چشم همکاران سعودی خود گفتیم که معتقدیم بازار نفت باید براساس توازن میان عرضه و تقاضا تنظیم شود و باید به دور از هرگونه تلاشی برای نفوذ بر آن با اهداف سیاسی و یا ژئوپولیتیکی، باقی بماند.»

مقام‌های آمریکایی می‌گویند، روسیه متحمل ضررهای مالی و انزوای سیاسی شده است و علت آن تحریم‌های بین‌المللی در پی الحاق شبه‌جزیره کریمه و ناآرامی‌های شرق اوکراین است. اما ولادیمیر پوتین همچنان می‌خواهد که به عنوان بازیگر محوری در خاورمیانه دیده شود. روس‌ها هفته گذشته میزبان کنفرانسی میان دولت اسد و

برخی از گروه‌های اپوزیسیون سوریه در مسکو بودند؛ با این حال تحلیلگران اندکی بر این باورند که مذاکرات مذکور دستاوردی به همراه داشته باشد، خصوصاً اینکه بسیاری از گروه‌های اپوزیسیون این کنفرانس را بایکوت کردند. عده‌ای از کارشناسان روس ابراز تردید کرده‌اند که پوتین مایل باشد تا توافقی حاصل شود که شامل عزل اسد از قدرت باشد.

آنگلا استنت، از کارشناسان روس در دانشکده روابط خارجی جورج تاون و یکی از افسران اطلاعاتی سابق که بر روی روسیه متمرکز بود، گفت: «ممکن است که تغییرات چشمگیری به وجود آید اما برای من، این سناریویی بسیار غیر محتمل است.»

اهرم فشار عربستان به این مساله بستگی دارد که مسکو تا چه حد جدی با موضوع کاهش درآمد‌های نفتی‌اش برخورد کند. گرگوری کاز، از کارشناسان خاورمیانه در دانشکده دولت و روابط عمومی در تگزاس می‌گوید: «اگر آنها (روس‌ها) به شدت آسیب ببینند و نیاز داشته باشند تا قیمت نفت سریعاً اصلاح شود، پس از آن سعودی‌ها در موضع برد قرار می‌گیرند و می‌توانند آنها را وادار کنند که بهای ژئوپولیتیک آن را پرداخت کنند.»

از طرف دیگر، بشار اسد هیچ تمایلی به کناره‌گیری از قدرت نشان نداده است. وی در مصاحبه اخیر خود با مجله آمریکایی فارن افز گفت که اصلی‌ترین تهدید در سوریه از جانب داعش و گروه‌های وابسته به القاعده است و به بیان وی، آنها «اکثریت» گروه‌های شورشی را تشکیل می‌دهند.

مقام‌های آمریکایی و عربی معتقدند که حتی اگر روسیه، بشار اسد را رها کند، رییس‌جمهوری سوریه همچنان از حمایت ایران برخوردار است. کمک ایران به دولت سوریه یکی از دلایل اصلی است که بشار اسد توانسته است قدرتش را حفظ کند اما بسیاری از خودکامه‌های خاورمیانه سرنگون شده‌اند.

با این حال حتی اگر عربستان بتواند با افزایش بهای نفت حمایت روسیه را در مقابل حکومت اسد به دست آورد، ایران نیز به عنوان یک تولیدکننده مهم نفت سود می‌برد. مصطفی علنی، از تحلیلگران مرکز تحقیقات وابسته به خاندان سعود می‌گوید: «خوشتان بیاید یا خیر، شما در حال تقویت دشمنان هستند و ایرانی‌ها هیچ انعطاف‌پذیری‌ای در این مورد نشان نمی‌دهند.»

اما کمک نظامی‌یی که روسیه در اختیار سوریه قرار می‌دهد، با آنچه که دمشق از ایران دریافت می‌کند کاملاً متفاوت است و به گفته یکی از مقام‌های ارشد دولت اوباما، «اگر روسیه تمام کمک‌های نظامی خود به سوریه را قطع کند، گمان نمی‌کنم که ارتش سوریه دیگر کارایی چندانی داشته باشد.» تعدادی از کشورهای عربی که رویکردهای ضد اسد دارند، عربستان و روسیه را ترغیب می‌کنند که به یک راه‌حل مشترک دست یابند و از آن به عنوان گامی به سوی پایان قتل‌عام جنگ داخلی سوریه که هم‌اکنون حدود چهار سال طول کشیده است، استفاده کنند اما طبق گفته یک دیپلمات عرب، «این تصمیم نهایتاً در دست پوتین است.»

بخش بیست و سوم

اندیشه‌های سیاسی در میان مسلمانان



عبدالحفیظ منصور

اندیشه‌های امام ابوحنیفه پس از وفات او، به کوشش شاگردانش تدوین یافت و در میان شاگردان او، محمد بن حسن شیبانی (د. ۱۸۹ق) و ابویوسف (د. ۱۸۲ق) سرآمد همه بودند. کتاب‌های «العالم و المتعلم» و «الفقه الاکبر» به او نسبت داده شده است. ابوحنیفه نامورترین رجل فقهی است و همه عالم‌ان بر برتری فقهی او اتفاق نظر دارند. اما به روایت ابن جوزی، اهل حدیث فقهای حنابل و ظاهریه، او را به دیده نیک نمی‌نگرند، بدین سبب که او از ارجاء و خلق قرآن طرف‌داری می‌کرد، یا بدین دلیل که به حدیث کمتر اهتمام داشت و یا هم به موجب عقیده او به رأی، تا جایی که او را امام اهل رأی دانسته‌اند. (صابری، ۱۳۹۱: ۱۱۲-۱۰۸)

پس از او علی. آن‌ها همه مردان پاک‌بوندی و به عدل رفتار کردند». به باور امام ابوحنیفه، «در باره صحابه پیامبر نباید جز به احترام سخن گفت»، و این در حالی است که او آن عده از اصحاب پیامبر را که در جنگ‌های جمل و صفین در برابر علی صف‌آرایی کردند، ذی‌حق نمی‌داند. ابوحنیفه هیچ مسلمانی را به‌خاطر گناهی تکفیر نکرد، زیرا او عمل را از ارکان ایمان نمی‌شمرد. او میان خلیفه محق و نامحق فرق می‌گذارد، و در صورتی که شخصی به‌صورت غیرقانونی بر اریکه قدرت تکیه زند و استحقاق او بحث‌انگیز باشد، نباید نماز، جهاد، دادگستری، امور اجتماعی و سیاسی مسلمانان تعطیل گردد و زیر سوال برود. از نظر حاکمیت و قانون، ابوحنیفه

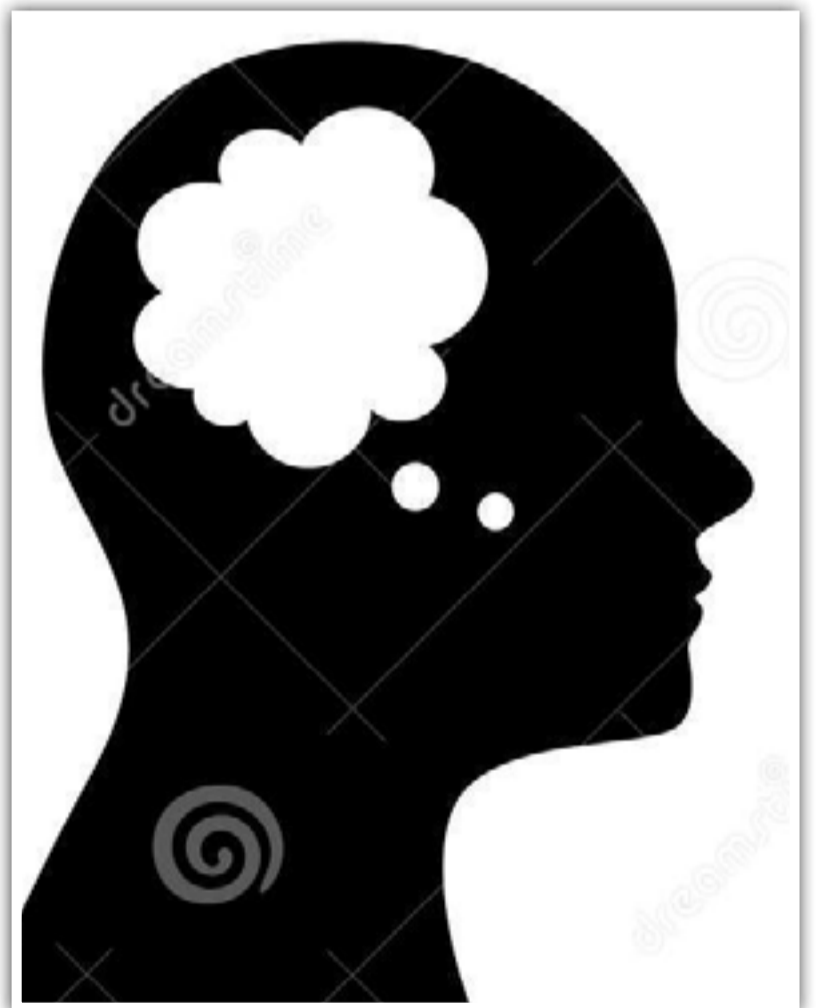
عهد خود، مراعات اصل قریشی بودن را برای خلیفه ترجیح می‌داد. ابوحنیفه به جدایی قوه مجریه از قوه قضاییه می‌اندیشید و به استقلالیت قوه قضاییه تأکید داشت و باری هم گفت، در صورتی که خلیفه به سبب تجاوز به حقوق مردم مقصر باشد، قاضی باید او را مجبور کند که به حکم قانون (شرع) گردن بگذارد. همچنان او آزادی بیان را به شدت محترم می‌دانست و زندانی کردن و یا تعذیب کردن کسانی که حاکم قانونی را بد گفته‌اند، جایز نمی‌خواند. ابوحنیفه قیام برضد حکومت‌های غاصب و ستمگر را نه تنها حق مردم می‌دانست، بلکه آن را بر مردم واجب می‌شمرد، اما مشروط بر این‌که احتمال زیاد باشد که به‌جای ستمکار یا متجاوز، حاکمی عادل و پرهیزکار بنشیند و کار تنها به ضایع شدن جان‌ها و امکانات تمام نشود. (شریف، ۱۳۶۵: ۱۴۲-۱۲۶)

ماوردی (۴۵۰-۳۶۴ هـ ق)

ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی، از نام‌آوران فقه شافعی است و معاصر دو تن از خلیفه‌های عباسی، قادر بالله (۳۸۱-۴۲۲) و قایم بالله (۴۶۷-۴۲۲ق) می‌زیست و در آن عهد به مقام قاضی القضاة دست یافت و با فرمان‌روایان آل بویه پیوندی دوستانه داشت. ماوردی افزون بر توانمندی در تفسیر و فقه، از تجربه در کار سیاست، اجتماع و قضاوت بهره داشت. آثار عمده او در باب سیاست عبارت‌اند از: احکام السلطانیة، قوانین الوزارة و سیاسته الملک، تسهیل النظر و تعجیل الظفر فی اخلاق الملک، و سیاسته الملک و نصیحة الملوک. معروف‌ترین کتاب او در این بخش، احکام السلطانیة است که زیر عنوان «آیین حکمرانی» به پارسی برگردانیده شده است.

اندیشه سیاسی

ماوردی از دید فقهی به سیاست نگریده و در واقع کوشیده است از یک‌سو مسایل سیاسی را به سود تقویت خلافت تنظیم بدارد، از سوی هم رابطه خلافت را با وزارت و امارت سازمان ببخشد. او در مورد مشروعیت گزینش امام، آنچه را که در گذشته در میان خلفای راشدین به‌وقوع پیوسته، ملاک قرار داده و در جهت استحکام آن استدلال کرده است. به عقیده ماوردی، رجوع به «حل و عقد» و «استخلاف» شیوه‌های مشروعیت‌بخش به خلافت می‌باشند. «امامت به دو صورت انعقاد می‌یابد: یکی به انتخاب اهل حل و عقد؛ و دیگری به ولایت‌عهدی امام پیشین.



اندیشه سیاسی

ابوحنیفه ملقب به امام اعظم، از رهگذر سیاسی نه تسلیم زور شد و به حکام مستبد گردن نهاد، و نه به‌سان خوارج، غیر خود همه را کافر شمرد؛ بلکه او راه میانه را در پیش گرفت؛ راهی که اکثریت مسلمانان آن‌گونه می‌اندیشیدند و ابوحنیفه آن را تیوریزه کرد. علامه ملا علی قاری، عقیده او را در شرح فقه اکبر در مورد خلفای راشدین چنین بیان می‌دارد: «بهترین آدمیان پس از پیامبر خدا، ابوبکر بود. پس از او عمر بود. پس از او عثمان و

حاکمیت راستین را از آن خدا می‌دانست و پیامبر را به عنوان مؤید از سوی خدا، در خور اطاعت می‌خواند. به باور او در عرصه قانون، شریعت یعنی قانون خدا و پیامبر او قانون برتر می‌باشد. از نظر او، کسب قدرت از طریق زور و سپس قانونی کردن آن از راه بیعت گرفتن اجباری، راه قانونی منصوب شدن به آن مقام نیست، و خود در حیات خود آن‌گونه که در زنده‌گی‌نامه‌اش آمده، برضد حاکمان غاصب ایستاد. او خلافت مشهور به فساد را حرام و نامشروع می‌دانست. ابوحنیفه در



۴+۳

تربند برای

مراقبت

از جسم

و روان

دیوید اسپیکل، روان‌شناس و استاد دانشگاه استنفورد است. او سرپرستی گروه تحقیقاتی در دانشگاه استنفورد را برعهده دارد و روی موضوعات روان‌شناسی تحقیق می‌کند. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تحقیقاتی او، مبحث «خودمراقبتی» است. چکیده‌ی از یادداشت او در تعریف «خودمراقبتی» را در ادامه می‌خوانید: خودمراقبتی به هر کاری گفته می‌شود که فرد برای محافظت از جسم، روان و احساسات خود انجام می‌دهد. در بین مفاهیم روان‌شناسی، خودمراقبتی مفهومی کمتر شناخته‌شده است که در بسیاری مواقع با خودخواهی و خودپرستی اشتباه گرفته می‌شود. تا امروز این عمل بیشتر برای کسانی توصیه می‌شده که از یک بحران یا آسیب نجات یافته‌اند؛ اما در واقع، همه آدم‌ها نیازمند خودمراقبتی هستند و این کار برای هر فردی متفاوت است. تحقیقات ما روی ۸۶ زن مبتلا به سرطان نشان داد خودمراقبتی می‌تواند سرعت بهبود و درمان را تا ۲۰ درصد افزایش دهد. خودمراقبتی که دو بخش جسمی و روانی را شامل می‌شود، از ابتلا به بسیاری از مشکلات جسمی و روانی جلوگیری می‌کند. هر فردی برای یک برنامه کامل خودمراقبتی، باید به دو گروه مسایل جسمی و روانی توجه کند. موضوعات جسمی عبارت‌اند از:

۱- غذا

انتخاب غذاهای فست‌فودی، اولین راه‌حل آدم‌های امروزی برای حل مشکل کمبود وقت در زنده‌گی مدرن و پُردغدغه این روزهاست؛ اقدامی اشتباه که با کنار گذاشتن آن می‌توانید خودمراقبتی را شروع کنید. اولین قدم در خودمراقبتی، خوردن ۳ وعده غذای سالم و سبک در طول روز، در کنار میان‌وعده‌های سالم است.

۲- ورزش

این روزها، سکون و عدم تحرک بدنی، بزرگترین مساله آدم‌هاست و مشکلات جانبی بسیاری ایجاد می‌کند. به توصیه پزشکان، هر فردی باید ۵ بار در هفته و هر بار حداقل ۳۰ دقیقه ورزش کند، اما این اتفاق برای اغلب ما نمی‌افتد. بهتر است زمان مشخصی در هفته را به ورزش اختصاص بدهید تا بیشتر از خودتان مراقبت کرده باشید.

۳- خواب

نیاز آدم‌ها به خواب متفاوت است، اما بر اساس یک توصیه کلی، هر آدمی باید روزانه ۷ تا ۱۰ ساعت بخوابد.

۴- مراقبت‌های پزشکی

وقتی احتیاج به پزشک و راهنمایی او دارید، به هیچ دلیل مثل تنبلی، این موضوع را از خودتان دریغ نکنید. مراقبت پزشکی بخشی مهمی از مراقبت است که ما اغلب به دیگران توصیه می‌کنیم یا برای دیگران انجام می‌دهیم اما درباره خودمان سستی می‌کنیم.

خودمراقبتی به معنی مراقبت از روان هم هست. به همین دلیل بخشی از خودمراقبتی شامل کارهایی است که شما برای آرامش بخشیدن به خود و دور کردن استرس‌ها و نگرانی‌ها انجام می‌دهید. این مراقبت‌ها عبارت‌اند از:

۱- مشاوره

وقتی خودتان را در توفان روانی می‌بینید، به جای تسلیم شدن به توفان و رها کردن خودتان در مشکلات پیش آمده، از روان‌درمانگر کمک بگیرید. با کمک این افراد قطعاً توفان زودتر به پایان می‌رسد و عوارض جانبی کمتری برای شما دارد.

۲- یادداشت‌نویسی

باور کنید یا نه، اما نوشتن یادداشت‌های روزانه شامل کارهایی که انجام داده‌اید، احساساتی که دارید، یک راه ساده خودمراقبتی است. خودتان را مجبور به نوشتن عواطف و احساسات‌تان کنید.

۳- تمرکز و آرامش

اجازه ندهید هیاهوی زنده‌گی مدرن شما را با خود ببرد؛ حتماً زمانی را برای تمرکز و کسب آرامش از دست رفته اختصاص بدهید. برای این کار بد نیست تمرین‌های تمرکزی را یاد بگیرید یا در صنفی مثل یوگا شرکت کنید.

منبع: آفتاب

در چندین ماه پسین، داعش به خوبی توانسته خود را در صدر خبرهای رسانه‌های جهان قرار دهد و توجه میلیون‌ها انسان در سراسر کره زمین را به خود جلب کند. با آن‌که بیشترین مسلمانان، دامن اسلام را از کارهای عجیب و غریب و نفرت‌انگیز داعش پاک می‌شمارند، داعشی‌ها بر این نکته اصرار می‌کنند که کارهای آن‌ها برگرفته از آموزه‌های دینی است و آنان می‌خواهند قوانین شریعت را اجرا و جامعه‌های اسلامی را بر پایه آموزه‌های اسلامی اداره کنند.

بنده در این‌جا در صدد اثبات این ادعا هستم که کارهای شگفت‌آور و جنایت‌آلودی که داعش در برابر دیده‌گان حیران و شگفت‌زده جهانیان مرتکب می‌شود تا حدود زیادی با فقه سنتی مسلمانان سازگاری دارد و با مرده‌ریگ فقهی و فکری ما چندان بیگانه نیست. این نکته را در همین‌جا بنویسم که نقد فقه سنتی، به معنای نقد اسلام نیست چرا که فقه سنتی ما دستاوردی بشری و آمیزه‌ای از برداشت‌های راست و ناراست است و چیزهای بسیاری در آن نفوذ یافته که بیگانه با اسلام است و جعل و تحریف‌هایی در آن راه یافته که آن را به سختی آسیب رسانده است. این راه باید در این‌جا بیفزایم که ما وقتی از لزوم بازخوانی و بازبینی میراث فقهی مسلمانان سخن می‌گوییم، به معنای این نیست که می‌خواهیم این میراث را به کلی نادیده بگیریم چرا که به گفته صاحب‌نظران، بدون نگاه به گذشته، امکان تفسیر وضعیت موجود نیست و بدون تفسیر درست وضعیت موجود، نمی‌توانیم با سرفرازی به مواجهه با آینده برویم.

داعش به عنوان گروهی خشن و جنایت‌کار، برای اقدام‌های خود همیشه مستندهایی از میراث فقهی مسلمانان ارایه می‌کند.

تا جایی که بنده خبر دارم، این گروه تا کنون هیچ کار مهمی را بدون استناد به آموزه‌های فقه سنتی مسلمانان انجام نداده است. داعشی‌ها همه این

کارهایی را که می‌کنند، بر مبنای سخنان فقیهان و روایاتی است که بخش مهمی از کتاب‌های سنتی ما را اشغال کرده است. ما اگر می‌خواهیم به ریشه

پیردازیم و آب را از سرچشمه آن ببندیم، می‌باید فقه سنتی مان را نقد کنیم و مسایلی را که به راستی منشای اسلامی

دارد، از موضوعاتی که به دروغ به اسلام نسبت داده شده تفکیک کنیم.

کار بی‌معنایی خواهد بود که خود ما به صورت

شبهانه‌روزی با افتخار زایدالوصفی از فقه سنتی یاد کنیم و اقوال فقیهان گذشته را تا سر حد سخنان پیامبر بالا ببریم و پیوسته در ستایش فقه سنتی گلو پاره کنیم، اما در عین حال، داعش را که از همین فقه سنتی برای کارهای خود مستمسک می‌سازد، محکوم کنیم و جریان انحرافی قلمداد کنیم.

عملکرد داعشیان از آوان پیدایش تا کنون، این نکته را به خوبی مسجّل می‌کند که آن‌ها درس‌های خویش را که عمدتاً از سرچشمه فقه سنتی دریافت کرده‌اند، آموخته‌اند و اکنون در

صدد عملی کردن این درس‌ها هستند. نکته قابل توجه این است که داعش، معمولاً به جای این‌که رفتار خود را با تمسک به آیات و روایات (که خیلی از این روایات، ساخته‌گی هم هستند) توجیه کند، دست به دامن فقیهان و مفسران می‌زند. به عبارت دیگر، برداشت‌های داعش از دین، غالباً «برداشت‌های بی‌متن» است. داعش در این زمینه تنها نیست. ما صدها سال است که با این مشکل، دست به گریبانیم. از همان زمانی که دروازه اجتهاد بسته اعلام شد، معرفت دینی مسلمانان به جای این‌که از سرچشمه‌های اصلی آب بخورد، به دست فقیهانی ساخته شد که در دوره انحطاط مسلمانان می‌زیستند و برداشت‌های خیلی انحطاط‌آلود و غیراخلاقی از اسلام داشتند. این بود که مسلمانان، از بهره‌گیری از سرچشمه‌های نخستین، محروم شدند و تشنه‌گی خود را با آب‌های گل‌آلودی که در اثر آمیخته شدن مواد آلاینده با آب‌های زلال چشمه‌ها پدید آمده بود، فرو می‌نشانند.

عده‌یی از صاحب‌نظران به این باور اند که ما باید نسبت به آموزه‌های غلطی که در فقه سنتی ما وجود دارد، بی‌اعتنا باشیم و آن‌ها را نادیده بگیریم و به جای آن، بکشیم آموزه‌های درست و انسانی‌یی را که در فقه اسلامی به وفور وجود دارد، برجسته بسازیم. مشکل این راه‌حل این است که ما را در برابر خطرهای احتمالی، آماده نمی‌کند و نسبت به آفت‌ها هشیار نمی‌سازد. در حالی که ما نسبت به خطرهای احتمالی آماده نباشیم، اگر آن خطرها به سراغ ما بیایند به آسانی می‌توانند ما را فرو ببلعند و در خود هضم کنند.

حقیقت آن است که ناراستی‌هایی که در میراث فکری مسلمانان جا خوش کرده‌اند، شبیه آتشفشان‌های خاموشی‌اند که هر لحظه امکان فوران آن وجود دارد. پس باید این ناراستی‌ها که به نام اسلام در مرده‌ریگ فکری ما برای خود جایی باز کرده‌اند، شناسایی شوند و پس از شناسایی، از رده بیرون ساخته شوند. اهمیت این کار وقتی دوچندان می‌شود که در نظر آوریم جامعه‌های ما جامعه‌های دین‌مداری هستند و بخش بزرگی از افراد در جامعه‌های ما می‌کوشند تا جایی که می‌توانند

ارزش‌ها و آموزه‌های دینی را مبنای کار خود قرار دهند. تصور کنید اگر این ارزش‌ها و آموزه‌ها به‌ظاهر اسلامی باشند اما ربطی به اسلام واقعی نداشته باشند، در آن صورت ممکن است چه اقدام‌های وحشیانه و ضد اخلاقی‌یی به نام اسلام انجام بگیرد که نتیجه‌یی ندارد جز مخدوش شدن چهره دین.

مشکل دیگری که در این‌جا رخ می‌نماید این است که میراث فکری مسلمانان، برای هر طرز تفکر و برداشتی می‌تواند مستند ارایه کند. میراث فکری ما به جهت این‌که مورد نقادی جدی و سازمان‌یافته قرار نگرفته و غث‌وسمین آن از هم تفکیک نشده، به همه آنانی که به‌نحو خود را به اسلام منسوب می‌کنند، ارمغانی دارد. هم آن‌هایی که می‌گویند اسلام باید به زور بر مردم تحمیل شود، می‌توانند به سود خود از این مرده‌ریگ، دلیل و مدرک پیدا کنند و هم آنانی که مدعی‌اند اسلام، اجبار در عقیده را بر نمی‌تابد. یکی می‌گوید، جهادی که در اسلام آمده جهاد ابتدایی است و ما می‌توانیم برای دعوت مردم به توحید و اسلام، به قلمرو حاکمیت دیگران حمله‌ور شویم و کشورگشایی کنیم، و دیگری مصرانه بر این نکته تأکید می‌کند که همه جنگ‌های پیامبر اسلام (ص)، دفاعی بوده و هرگز ایشان حتاً یک‌بار هم شروع‌کننده جنگ برضد دشمنان نبوده‌اند و ...

ریشه مشکل این است که چون ما مغلوب و مرعوب مرده‌ریگ فقهی



آب از سرچشمه

گل‌آلود است

مهران موحد

خویش شده‌ایم، وقتی به سراغ این مرده‌ریگ می‌رویم و می‌خواهیم از آموزه‌های آن بهره بگیریم، خرد و احساس خود را به کنار می‌نیمیم و همچون «مرده در دستان غسال»، خود را تسلیم محض آن می‌سازیم. اگر چنین نمی‌بود، ما می‌توانستیم با مجهز بودن به سلاح عقل و احساس، میراث فکری مسلمانان را ارزیابی کنیم و کژی‌ها و انحراف‌های آن را مورد شناسایی قرار دهیم و بر ملا بیفکنیم و نیز از زلالی‌های آن بهره‌های وافر ببریم.

داعش به پیروی از اکثریت فقیهان مسلمان، جهاد را مأموریتی تجاوزگرانه می‌شمارد و جهاد ابتدایی را مشروع می‌داند. جهاد ابتدایی به این معناست که مسلمانان برای دعوت دیگران (غیرمسلمانان) به توحید و ایمان، آغازکننده نبرد باشند. اکثر فقیهان مسلمان، جهاد ابتدایی را واجب دانسته‌اند. نیز گفته‌اند که بر زمامدار مسلمان واجب است که سالانه حداقل یک‌بار لشکری را مجهز کند تا به کشورهای دیگر حمله‌ور شود و با آن‌ها بجنگد و سرزمین‌های آنان را به تصرف خود درآورد (احکام‌القرآن حصاص، شرح السیر الکبیر سرخسی، ردّ المحتار علی در المختار). فقیهان ما حتاً و جوب جهاد ابتدایی را همانند نمازهای پنج‌گانه دانسته‌اند (امام نووی).

اعتقاد داعشی‌ها به فرضیت جهاد ابتدایی، وقتی فاجعه‌آفرین می‌شود که این گروه، بعضی از فرقه‌های دیگر اسلامی را خارج از دین می‌شمارد و «کافر» می‌داند. به گواهی آن‌چه از کانال‌های رسمی گروه داعش در انترنت پخش می‌شود، آن‌ها برای کافر شمردن شیعیان، باز هم به اقوال برخی از علمای پیشین - مثل بخاری و سمعانی - استناد کرده‌اند. برخی از علمای شیعه‌مذهب هم شبیه این فتواها را درباره اهل سنت صادر کرده‌اند و کشتن آن‌ها را روا شمرده‌اند و آنان را از مذهب اسلام

بیرون دانسته‌اند.

جالب این‌جاست که در فقه سنتی ما حتاً می‌توان بهانه‌هایی برای کشتن زنان و کودکان و پیرمردان یافت، چرا که در پارهی از کتاب‌های ما آمده که کشتن زنان و کودکان و پیرمردان در جنگ، در صورتی که جنگ‌جویان دشمن از آنان به عنوان سپر استفاده کنند، رواست. آیا این، بهانه خوبی نیست برای کشتن زنان و کودکان بی‌گناه توسط داعش و دیگر گروه‌های خشن و افراطی؟

چندی پیش، داعش پس از اشغال منطقه «سنجار» در عراق، شمار فراوانی از زنان و کودکان اقلیت کرد ایزدی را به برده‌گی گرفت. داعش برای توجیه این اقدام، تصریح کرد که ما بر اساس نظر جمهور فقیهان مسلمان در باره چه‌گونه‌گی تعامل با مشرکان، عمل کرده‌ایم. گروه داعش، اقلیت کرد ایزدی در عراق را متهم به شیطان‌پرستی می‌کند و مشرک می‌شمارد. داعش به «آن‌هایی که ضعیف‌الایمان و کم‌خرد» اند می‌گوید که به کنیزی در آوردن کودکان و زنان کفار از «احکام ثابت شریعت اسلام» است و هر کسی که این حکم قطعی شریعت را رد کند و یا نسبت به آن تمسخر روا دارد، در واقع آیات قرآن و سنت پیامبر را مورد انکار قرار داده و بدین‌گونه از دایره اسلام بیرون رفته است.

فقه سنتی ما به صراحت می‌گوید که در برابر کفاری که اهل کتاب (یهودی و مسیحی و مجوسی) نباشند، تنها دو گزینه پیش رو داریم: یا این‌که گردن‌گزار اسلام شوند و یا این‌که به دست نابودی سپرده خواهند شد و زنان و کودکان‌شان به اسارت گرفته خواهند شد.

به نظر شما کجای این کار داعش (کشتن مردان ایزدی و برده‌ساختن کودکان و زنان آن‌ها) با فقه سنتی مسلمانان در تضاد قرار دارد؟

چند روز پیش، داعش ویدیویی را از اعدام خلبان اردنی اسیر در دست آن گروه، معاذ الکساسبه، منتشر کرد. که مردم را در سراسر جهان در شوک فرو برد. ویدیو نشان می‌داد که داعش، خلبان اردنی را زنده‌زنده می‌سوزاند و سپس توسط بلدوزر، آوارهایی از خاک بر سرش می‌ریزند.

داعش در توجیه این اقدام شگفت‌انگیز خود، تصویرهای ویدیویی از کودکانی را نشان داد که بر اثر بمباردمان نیروهای هوایی ائتلاف - که خلبان اردنی هم یکی از آن‌ها بود - طعمه حریق شده‌اند. نیز تصویرهایی ویدیویی را نشان داد از کسانی که زیر آوار خانه‌های خود شده‌اند، خانه‌هایی که از اثر بمباردمان هوایی ائتلاف برضد داعش به تلی از خاک مبدل شده‌اند. داعش، اعدام خلبان اردنی به این صورت را از قبیل «مجازات بالمثل» می‌داند و به آیه ۱۲۶ سوره نحل استناد می‌کند.

همچنین داعش به گفته‌های فقیهانی استناد می‌کند که مجازات بالمثل را روا می‌دانند حتاً اگر این مجازات، «مثله» باشد. همان‌گونه که برخی از فقها تصریح کرده‌اند، زنده‌زنده سوزاندن هم در تعریف «مثله» داخل است.

در همین زمینه، داعش به سخنان ابن تیمیه نیز استناد می‌کند. ابن تیمیه گفته‌است: «مثله کردن (گوش و بینی بریدن یا زنده‌زنده سوزاندن) کفار، در صورتی که آنان را وادار به پذیرش اسلام بکنند یا مرعوب‌شان بسازد و جلو تجاوزشان به حریم مسلمانان را بگیرد، به مثابه برپاداشتن حدود الهی و جهاد در راه خداست.» (الفرع، ابن مفلح الحنبلی)

علی‌رغم این‌که بسیاری از علمای مذهبی و بسیاری از نهادهای مذهبی در جهان اسلام، زنده‌زنده سوزاندن خلبان اردنی به اسارت درآمده توسط داعش را به شدیدترین لحن نکوهش کردند و اقدام‌های جاهلانۀ داعش را موجب بدنام شدن اسلام دانستند؛ در سنت دینی ما به قدر کافی، چیزهایی هست که این کار داعش و سایر کارهای این گروه را بتواند مشروعیت ببخشد و توجیه کند.

تنها راه حل این‌است که با ذهنیتی انتقادی سراغ فقه سنتی‌مان برویم و برخوردی منتقدانه نسبت به میراث فکری‌مان داشته باشیم و از نقد جدی این میراث سترگ، واهمی در دل راه ندهیم. نقد فقه سنتی به معنای این‌است که جنبه‌های مثبت آن را از پهلوهای منفی آن تفکیک کنیم و سره را از ناسره جدا بسازیم. این کار نه تنها عیب و اشکالی ندارد، بلکه ارزش‌مندترین کاری‌ست که باید کسی که به تفسیر و شرح آموزه‌های اسلامی می‌پردازد، به آن مبادرت ورزد. در غیر این صورت، ما باید همیشه چشم به راه ظهور جریان‌هایی از قبیل جریان داعش در هر نقطه جهان پهناور اسلامی باشیم.

این نکته را هم باید یادآور شوم که موقع تحلیل و موشکافی چرایی ظهور گروه داعش و دیگر گروه‌هایی از این دست در گستره دنیای اسلام، در کنار عوامل دینی و فرهنگی، نقش عوامل دیگر را نباید نادیده بگیریم. بی‌گمان، عوامل گونه‌گونی (عوامل سیاسی و اقتصادی و حتاً روانی) دست به دست هم داده‌اند تا زمینه را برای پیدایش و گسترش گروه‌های تندرو در سرزمین‌های ما فراهم سازند. با این‌همه، قدر مسلم این‌است که برداشت‌های خشن و غیراخلاقی از اسلام که ریشه در سنت دارد، توانسته تا حد زیادی تیر خشونت‌طلبان و تندروان راسته کند و به کارهای آن‌ها مشروعیت ببخشد.

راه دشوار مدنیّت!

بررسی پرونده محاکمه صحرائی آدمربایان

علی پارسا

به تازگی گزارش شده که جمعی از باشندگان ولایت نیمروز در اعتراض به گسترش آدمربایی در اطراف شاهراه هرات - قندهار، علیه یک باند گروگان گیر شوریده و پس از کشتن چهار تن از آنان، اجساد آن‌ها را در بازار ولسوالی واشیر ولایت هلمند به دار آویخته و در معرض نمایش عموم قرار داده‌اند.

بر اساس گزارش‌ها گفته می‌شود که با عطف به گسترش اپیدمی آدمربایی در مناطق جنوبی و شرقی کشور، پس از اختطاف فرزند یکی از بازرگانان ولسوالی دلارام ولایت نیمروز توسط یک باند آدمربا، جمعی از بزرگان این منطقه به دنبال گروه آدمربا به ولسوالی واشیر ولایت هلمند رفته و پس از زودخوردی که منجر به کشته شدن چهار آدمربا و یک بزرگ قومی می‌شود، جنازه آن‌ها را برای عبرت دیگران در بازار ولسوالی مذکور به نمایش می‌گذارند.

وقوع این رویداد در مناطق ناامنی که دولت در آن اشراف کامل ندارد، قضاوت‌های مختلفی را می‌تواند به دنبال داشته باشد. شاید حکم صادر کردن در چنین مواردی، از آن‌جا که یک رویداد مجرد بوده و در یک زمان و مکان خاص با شرایط منحصر به فرد به وقوع پیوسته، کار آسانی باشد؛ اما بررسی و ارزیابی آن به عنوان رویدادی که با توجه به تشابهات فراوان با مناطق دیگر کشور، ممکن است تبدیل به یک رویه عمومی و روند فراگیر شود، کار دشواری است.

اگر بخواهیم بسیار ساده با این موضوع برخورد کنیم و در خم زلف پیچ‌پیچش گم نشویم، می‌توان این حرکت را نوعی خیزش اجتماعی و مردمی توسط ساکنان محیطی ناامن با سلطه کم‌رنگ دولت، برای دفاع از حقوق و آزادی‌هایشان دانست. مهم‌ترین عنصر در شکل‌گیری این نوع حرکت جمعی، ناکارایی و ناتوانی دولت است. با وجود این‌که حضور و اقتدار دولت در این مناطق ناامن، بسیار کم‌رنگ است، اما نمی‌توان تنها بر مسأله کوتاهی دست دولت در این ولایات انگشت گذاشت؛ چه این‌که حتا در پایتخت هم علی‌رغم حضور مقتدرانه و پُررنگ حکومت، گاهی فساد گسترده زمینه جنایت و جرم را برای جانیان به پیمانۀ سایر ولایات ناامن فراهم می‌کند. در نتیجه می‌توان هر دو نقطه ضعف دولت را با عنوان «ناتوانی و

ناکارایی» دولت برجسته کرد.

عصر ناتوانی و ناکارایی دولت سبب می‌شود که عرصه برای عمل جانیان و مجرمان فراخ‌تر شود و دست‌شان هم در اعمال مجرمانه‌شان بازتر. گزارش‌هایی که همه‌روزه از نرخ رو به رشد جرم‌هایی چون آدمربایی می‌شنویم، به‌خوبی موید این وضعیت آشفته است. در چنین حالاتی و با مفروض گرفتن ضعف و ناکارایی دولت، قربانیان این‌گونه اقدامات و مردم، یا مجبور می‌شوند که به خواسته‌های جانیان لیبک گویند و یا هم در برابر آن‌ها ایستاده‌گی کنند که نمونه‌های هر دو را به‌کرات شنیده‌ایم؛ چه پول‌ها و هزینه‌های کلانی که این قربانیان به آدمربایان داده‌اند و چه بسا مواردی که عزیزان‌شان را به فبیع‌ترین حالات از دست داده‌اند. در این مورد خاص اما به نظر می‌رسد که این بار ابتکار عمل با مردم بوده و سبب شده‌اند که بر آدمربایان ظفر یابند و درس خوبی به آنها بدهند.

به این ترتیب و از این رهگذر به نظر می‌رسد که خیزش جمعی این مردمان، نوعی اقدام عدالت‌خواهانه بوده و در برابر یک ظلم آشکار صورت گرفته است. پس به‌آسانی نمی‌توان آن را محکوم کرد. در جامعه‌یی که حکومت یا توانی برای تعقیب مجرمان ندارد و یا هم میلی؛ به نظر می‌رسد که هر «منجی» بی‌که بتواند مردم را از شر ظلم و بی‌عدالتی نجات دهد، ارزنده و پسندیده است؛ حالا این منجی «رابین‌هود» باشد یا بزرگان قومی، فرقی نمی‌کند!

این طرز نگاه هرچند توجیه‌گرانه است و می‌تواند گره کار ما را به‌آسانی باز کند، اما مسلماً بدوی و دور از عصر حاضر می‌نماید. زنده‌گی کردن در عصر دولت-ملت‌های مدرن هرچند غیرارادی و یا اجباری باشد، باید تابع مستلزمات آن قرار گیرد. در دولت مدرنی که «تنها مرجع مشروع اعمال نیروی قهریه»، دولت است، هرگونه اقدام خودسرانه ولو عدالت‌طلبانه، محکوم و توجیه‌ناپذیر است.

با این رویکرد، به نظر می‌رسد که کشتن و به دار آویختن تعدادی از آدمربایان توسط جمعی آزادی‌خواه و عدالت‌طلب هرچند در راستای آرمانی انسانی به وقوع پیوسته، بازهم چیزی جز خشونت‌گرایی به شمار نمی‌آید. شاید علت این نوع ارزیابی و قضاوت، در تجربه‌های تلخی نهفته باشد که همه کشورهای مختلف جهان طی

قرن‌ها طعم آن را چشیده‌اند. در حقیقت، ریشه بسیاری از شورش‌ها و منازعات داخلی که هر کشوری روزگاری به آن مبتلا بوده یا است، به همین خیزش‌های جمعی اصلاح‌طلب برمی‌گردد که برای خود مشروعیت لازم برای مجازات و محاکمه افراد قابل می‌شوند.

در دولت مدرن، دولت تنها مرجع مشروع اعمال قدرت و خشونت است؛ به این ترتیب، مجازات و محاکمه جانیان و مجرمان از اختیارات انحصاری و غیرقابل انتقال این نهاد است. در صورت انتقال و تسری این حق و اختیار به دیگران، شورش‌گری و بی‌نظمی همه جامعه را فرا می‌گیرد. با این وصف و از این عینک، واضح است که قتل و اعدام افراد ولو جانی و مجرم، حقیقت است که تنها و تنها در انحصار محکمه‌مشروع و دیصلاح است که به امر قانون ایجاد شده باشد. هرگونه محکمه صحرائی از این منظر، خلاف قانون و عملی مجرمانه است.

وقتی ما در کشوری زنده‌گی می‌کنیم که بزرگ‌ترین آرزوی‌مان ثبات و شیرین‌ترین رویای‌مان امنیت و رفاه است، پس باید با ارج گذاشتن به اصول و مبانی یک جامعه انسانی و مدرن، حداقل تلاش خود را در راستای امنیت و ثبات کشور کنیم. یکی از این اصول پایه و مقدماتی برای یک جامعه باثبات، پذیرفتن و احترام گذاشتن به حقوق و اختیارات انحصاری دولت از جمله حق محاکمه و مجازات مجرمان است. گاهی شاید به رسمیت شناختن این حق برای یک دولت فاسد و ناکارآمد کار دشواری باشد، اما به هر حال در راه رسیدن به ثبات نمی‌توان و نباید از این اصل سرپیچی کرد. ناتوانی دولت در محاکمه و مجازات مجرمان و فساد گسترده در حکومت و محاکم افغانستان، حقایق تلخی‌ست که گاهی هر کس را برای محاکمه‌ها و مجازات‌های صحرائی مجرمان اغوا و وسوسه می‌کند؛ اما نباید فراموش کرد خطری که در این محکمه‌های صحرائی نهفته است، مانند شعله کوچکی‌ست که با وزش بادِ موافق می‌تواند به جهنمی سوزان بدل شود.

اجرای عدالت، پسندیده و زیباست اما وقتی که از مجرای منطقی و مشروع آن تحقق یابد. نباید برای تحقق مقطعی عدالت؛ بنیاد بی‌نظمی و هرج‌ومرج و به تبع آن، بی‌عدالتی‌های فراوان دیگر را گذاشت.

تربیت به منظور کشتن سربازان و تخریب دارایی عامه به افغانستان می‌فرستد.

پاکستان از سال‌ها بدین‌سو به دنبال تضعیف و نابودی زیربنای افغانستان بوده و از هر طریق ممکن تلاش ورزیده است که افغانستان نتواند سر بلند کند.

حالا ارتش افغانستان باید با احتیاط تمام با این پروژه پاکستان برخورد کند. چون اسلام‌آباد در عقب این برنامه‌اش اهدافی را دنبال می‌کند که بدون شک برای نیروهای امنیتی افغانستان زیان‌بار و ویرانگر است.

نفس تلاش پاکستان برای کشاندن سربازان افغانستان به مراکز آموزشی نظامی خویش، پرسش‌برانگیز است. چرا اسلام‌آباد از سال‌ها بدین‌سو تلاش می‌ورزد تا افغانستان را متقاعد بسازد که به این کشور به منظور آموزش نظامی نیرو بفرستد؟ واضح است که در عقب این برنامه می‌خواهد نفوذ خویش را در درون

نیروهای امنیتی افغانستان به ویژه ارتش و استخبارات افزایش ببخشد. حکومت پیشین افغانستان به‌رغم اصرار پاکستان هرگز حاضر نشد که به این کشور سرباز بفرستد؛ اما به نظر می‌رسد که حکومت جدید پس از رفتن رییس جمهور غنی به اسلام‌آباد و لاهور، به توافق‌هایی با این کشور دست یافته است. شاید یکی از توافقی‌ها فرستادن سربازان ارتش افغانستان به منظور آموزش نظامی به پاکستان باشد. چیزی که می‌تواند پیامدهای مرگباری برای نیروهای امنیتی افغانستان داشته باشد.

اقدام چند روز پیش گروه داعش در عراق که یک خلبان اردنی را در یک قفس آتش زدند، می‌باشد اما مقامات شیندند، هرگونه تحرک و یا موجودیت گروه تروریستی - تکفیری داعش را در این ولسوالی رد کرده‌اند.

طالبان تا کنون در مورد این خبر توضیحی نداده‌اند. گفته می‌شود که شیندند محل اصلی تمرکز و تحرک طالبان هرات می‌باشد. این ولسوالی با ولایت فراه، هم مرز است.

موضوع کنفرانس «سقوط...»

کنفرانس امنیتی مونیخ در مصاحبه با دویچه وله گفت: ما در حال تجربه سقوط نظم جهانی هستیم و موضوع کنفرانس امسال نیز به همین امر اختصاص یافته است. از آنجایی که این بحران‌ها مهم هستند، کنفرانس امنیتی مونیخ برای دیپلمات‌هایی که به دنبال یافتن راه‌حل‌هایی برای درگیری‌ها هستند، اهمیت مضاعف پیدا می‌کند.

سران ۲۰ کشور، ۶۰ وزیر امور خارجه و وزیر دفاع و کارشناسان بیشماری قرار است مذاکرات خود را در هتل «بایرشرف» مونیخ آغاز کنند و علاوه بر مذاکرات رسمی، گفتگوهای نیز پشت درهای بسته میان مقام‌ها برگزار می‌شود.

امسال پترو پوروشنکو، رییس‌جمهوری اوکراین و سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه دیداری رو در رو خواهند داشت. بدون شک، موضوع تشدید خشونت‌ها در شرق اوکراین یکی از مسائل مهم در کنفرانس مونیخ است. آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان پس از دیدار با فرانسوا اولاند، رییس‌جمهوری فرانسه و پترو پوروشنکو در کی‌یف و دیدار با ولادیمیر پوتین در مسکو در این نشست حاضر می‌شود.

مرکل همچنان امیدوار است که پوتین از مواضع خود عقب‌نشینی کند. وی به دنبال سازش دیپلماتیک است و فروش سلاح به ارتش اوکراین را نمی‌پذیرد.

جو بایدن، معاون رییس‌جمهوری امریکا نیز ریاست هیات عالی‌رتبه واشنگتن به مونیخ را بر عهده دارد. جان کری، وزیر امور خارجه امریکا نیز در این کنفرانس حضور خواهد داشت. معاون اواما با مسلح کردن اوکراین به تسلیحات مرگبار مخالفت است اما از منتقدان مداخله مسکو در اوکراین نیز محسوب می‌شود. وی احتمالاً برداشتن گام‌های بیشتر علیه کرملین را خواستار خواهد شد. امریکا می‌خواهد که روسیه بهای بیشتری را برای رفتار متجاوزانه خود پرداخت کند.

کنفرانس امنیتی مونیخ که از سال ۱۹۶۳ بنیان نهاده شده، مهمترین کنفرانس امنیتی در جهان شناخته می‌شود اما دلیل آن تنها حضور شرکت‌کنندگان مهم نیست. در کنفرانس مونیخ تصمیمی گرفته نمی‌شود و صرفاً ویژه اظهار نظر، رایزنی و دیدارهای سیاسی است. در این کنفرانس هر سال به طور ویژه به یک موضوع مهم امنیت بین‌المللی پرداخته می‌شود. کنفرانس مونیخ به یکی از مجامع بین‌المللی مهم در عرصه امنیت جهانی تبدیل شده است و به دلیل تشابه کمی و کیفی و بازتاب‌های آن با مجمع جهانی اقتصاد، به «داووس امنیتی» نیز شهرت دارد.

نگرانیم این پروسه بزرگ ملی...

با پیشنهاد ما اکثر نامزدان توافق خود را اعلام نمودند تا این‌که انتخابات به دور دوم رفت. بورد مشورتی آجندای ملی همچنان میانجیگری خود را میان دو نامزد پیشناز ادامه داد. اما متأسفانه تلاش‌های بورد به علت عدم اعتماد عمیق میان هردو کاندید به ثمر ننشست و کشور به فاز بحران رفت، تا این‌که پای جان کری وزیر امور خارجه امریکا و تفاهم نامه حکومت وحدت ملی به میان آمد؛ مگر این بار از دل بحران و به خاطر مهار بحران.

جا داشت تا در این مرحله حساس گذار از حضور، اعتبار و پنتسیال و تلاش‌های چندین ساله نخبه‌گان افغانستان در محور آجندای ملی در بومی ساختن، وفق دادن آن با شرایط کشور و تقویت ماهیت دولت وحدت ملی استفاده بهینه صورت می‌گرفت.

این یک حقیقت آشکار است که ایجاد دولت وحدت ملی در این شرایط حساس کشور قطعاً بدیلی ندارد و نیاز و ضرورت ملی و تاریخی ما می‌باشد. اما با نظارتی که در روند کار تشکیل دولت تا امروز داشته‌ایم، نگرانیم از این‌که نشود خدا ناخواسته این پروسه بزرگ ملی تا رسیدن به ثبات و گذار به دولت ملی با قاعده و قانونمند، قربانی یک ائتلاف افسارگسیخته و نا کارآمد شود؛ ماهیتش از بین برود، از مسیر اصلی‌اش منحرف شود و به یک موجود نامأنوس مبدل گردد و یک تصویر تاریک، مخدوش و مبهم در اذهان مردم حک گردد.

به خاطر داشته باشیم که نفس ایجاد دولت وحدت ملی، محدود به مشارکت عده‌یی هرچند محترم و کار فهم در قدرت نمی‌شود؛ بل که مهم تر از آن، ایجاد ذهنیت مشارکت همه نیروها، چه در داخل نظام و در چه در متن جامعه می‌باشد. آزمون موفقیت دولت وحدت ملی در گرو ایجاد چنین فضاهای امیدوارکننده می‌باشد که مردم به خوبی و درستی احساس نمایند.

برگرفته از صفحه احمد ولی مسعود

افسران ارتش افغانستان در ایت آباد پاکستان

امیری

برای اولین بار یک گروه شش نفره از دانشجویان افسری افغانستان برای آموزش در سطح بالای نظامی وارد پایتخت پاکستان شدند.

قرار است دانشجویان افسری افغانستان دوره‌های لازم را در دانشگاه افسری کاکول واقع در منطقه ایت‌آباد بگذرانند.

بر اساس این گزارش نخستین بار است که جوانان ارتش افغانستان در پاکستان آموزش می‌بینند.

گزارش‌ها نشان می‌دهد راجیل شریف فرمانده ارتش پاکستان در سفر به کابل موضوع آموزش ارتش افغانستان توسط پاکستان را مطرح کرد.

گفته می‌شود که دانشجویان افسری افغانستان به مدت ۱۸ ماه در دوره‌های آموزشی آکادمی نظامی کاکول واقع در منطقه ایت‌آباد شرکت می‌کنند.

جانان موسی زی سفیر افغانستان در پاکستان ضمن استقبال از دانشجویان افسری بیان کرد: آموزش

طالبان شیندند، یک فرمانده...

حمایت قوی شورای کویته پاکستان برخوردار بوده است.

فرامرز سمندر، ولسوال شیندند هرات در گفت‌وگو با خبرگزاری جمهور بیان کرد: ملا نورالدین، در حالی که از پاکستان برمی‌گشت، در منطقه وزیرآباد بلوک زاؤل شیندند، توسط هم‌زمان خود کشته و سپس جسد وی به آتش کشیده شده است.

به گفته وی، طالبان دو تن دیگر از همراهان ملا

نورالدین را هم در کنار وی به ضرب گلوله از بین برده‌اند.

آقای سمندر مهمترین دلیل این حادثه را اختلافات درون گروهی طالبان عنوان می‌کند.

او می‌گوید که همراهان کشته شده این فرمانده مشهور طالبان، برادر و پسر کاکای وی بوده‌اند.

ولسوال شیندند افزوده که آتش زدن جسد، توسط طالبان در شیندند بی‌سابقه بوده و بیانگر موجودیت اختلافات شدید میان این گروه می‌باشد.

با آن‌که این حرکت طالبان شیندند چیزی شبیه به



طرح تازه وزارت معارف برای با سواد شدن دختران مسجد جایگزین مکتب شود



محروریت دختران از رفتن به مکتب در افغانستان به امرعادی تبدیل شده است. مقام‌های دولتی تنها ابراز نگرانی می‌کنند، ولی در عمل برنامه‌ی برای پایان دادن به این محروریت وجود ندارد. این محروریت در مناطق مختلف افغانستان متفاوت است. در برخی از ولایات موانع کمتری در برابر تعلیم و آموزش دختران وجود دارد، اما در شماری از ولایت‌های دیگر شدیدترین محدودیت‌ها در برابر مکتب رفتن دختران وضع می‌شوند.

براساس اظهارات مسوولان وزارت معارف، دختران تا صنف‌های هفتم و هشتم درس می‌خوانند؛ اما زمانی که به سن بلوغ می‌رسند، خانواده‌ها به آن‌ها اجازه مکتب رفتن نمی‌دهند. کبیر حقمیل سخنگوی وزارت معارف می‌گوید در حال حاضر بیش از یک میلیون کودک از مکتب محروم اند که از این میان بیشتر آنها دختران هستند: «متأسفانه ۱٫۳ میلیون طفل ما از مکتب دور و محروم مانده اند. در جامعه‌ی بی که ۱٫۳ میلیون طفل آن از مکتب محروم باشند، می‌توان از بقای بی‌سوادی است و دوام این پدیده گفت».

موانع چند لایه

نامنی عمده‌ترین دلیل محروریت دختران از مکتب است؛ اما سنت‌ها و رسوم اجتماعی مانع قوی‌تر از نامنی می‌باشد. زیرا رفتن دختران جوان به مکتب «شرم» پنداشته می‌شود. بیشتر خانواده‌ها به دلیل همین رواج‌های دست و پاگیر به دختران شان اجازه مکتب رفتن نمی‌دهند. وزارت معارف می‌گوید اگر حتما امنیت در روستاها تامین باشد و تمام زمینه‌ها برای مکتب رفتن دختران فراهم شوند، هیچ معلمی را در این روستاها نمی‌توان یافت که توانایی تدریس مضامین مکتب را داشته باشند:

این وزارت معاش بلندی را برای معلمینی اختصاص می‌دهد که حاضراند در مناطق دور افتاده و نامن در درس بدهند. اما سخنگوی این وزارت می‌گوید چالش‌ها در برابر تعلیم دختران، به این ساده‌گی

ها قابل حل نیست: «استخدام یک مشکل است اما موجودیت معلم، مشکل دیگر می‌باشد. در یک منطقه‌ی که سطح سواد در آن جا در حد صفر باشد، شما چگونه می‌توانید یک زن باسواد را پیدا کنید؟»

مسجد به جای مکتب

در دوره پنج ساله طالبان، این گروه دروازه‌های مکتب دخترانه را بست و براساس برداشتی که آن‌ها از شریعت داشتند، مانع رفتن دختران به مکتب می‌شدند. محدودیت طالبان در برابر زنان و دختران تنها در مکتب محدود نبود، این گروه هرگونه کار زنان در بیرون از خانه را ممنوع کردند. برخی از معلمین در کابل و ولایات دیگر در دوره حاکمیت طالبان، مکتب مخفی و زیرزمینی ایجاد کردند. دختران در این مکتب‌ها به صورت مخفی و به دور از دید طالبان درس می‌خواندند. حالا وزارت معارف طرحی را روی دست گرفته تا دختران به جای مکتب‌ها در مساجد درس بخوانند. چنین طرحی می‌تواند از حساسیت‌ها و موانعی که در برابر تعلیم دختران وجود دارد، بکاهد.

آقای حقمیل می‌گوید: «اگر به مکتب منحیت «مکتب» اجازه نمی‌دهند، ما به علمای کرام گفته ایم که برای تدریس شاگردان در مساجد مصرف‌شان را می‌دهیم. ما بیشتر از ده هزار صنف‌های دهانی داریم و به آن‌ها تمام امکانات را فراهم می‌کنیم.» حقمیل می‌گوید فعال کردن صنوف روستاها نیز بسیار دشوار است زیرا در این صنف‌ها ملاها و یا فارغان صنف‌های هفت و هشت درس می‌دهند که به هیچ وجه با معیارهای تدریس در مکتب برابر نیست.

در سیزده سال گذشته دروازه‌های مکتب بر روی کودکان باز شدند. حکومت افغانستان و جامعه جهانی همواره از این موضوع به عنوان دست آورد بزرگ یاد می‌کند ولی در طول سیزده سال گذشته مخالفت با معارف ادامه یافت، شماری از مکتب‌ها آتش زده شدند و تعدادی از معلمین نیز جان شان را از دست دادند.

تأثیر افزایش نامنی‌ها

در همین حال وزارت معارف از گسترش نامنی‌ها نگران است. در سال ۲۰۱۴ دامنه جنگ‌ها در افغانستان گسترش یافت و بیش از ۲۰ ولایت شاهد جنگ‌های جبهه ای طالبان بودند. مقام‌های وزارت معارف می‌گویند با افزایش نامنی‌ها مکتب نیز صدمه می‌بیند و این مقام‌ها می‌گویند در جریان سال ۲۰۱۴ ده‌ها مکتب با توقف مقطعی روبرو شدند و سیستم تعلیمی در مکتب‌ها خساره مند گردید. با گسترش دامنه نامنی‌ها، مکتب‌های بیشتری آتش زده می‌شوند و تهدیدها علیه معلمین و کارمندان معارف بیشتر می‌شوند.

آقای حقمیل گفت: «به هر اندازه که نامنی‌ها بیشتر می‌شود، مکتب متضرر می‌شوند. ما مسدودیت‌های مقطعی در ولایت کندز داشتیم و شاگردان نمی‌توانستند دو تا سه هفته به مکتب بروند. در بعضی از ولسوالی‌های ننگرهار ده‌ها مکتب برای چند روز مسدود بودند.»

وزارت معارف از وزارت‌های امنیتی می‌خواهد تا برای تامین امنیت روستاها تلاش کنند، در غیر آن نامنی‌ها سبب گسترش محروریت شاگردان از رفتن به مکتب می‌شود.

بنا اصلاحات در کمیسیون...

ولسوالی‌ها و انتخابات پارلمانی همزمان برگزار شود؛ باید آماده‌گی‌های تخنیکی، حقوقی، امنیتی گرفته شود؛ در غیر آن، خیلی دشوار خواهد بود که کاندیدان، مطابق آرای مردم انتخاب شوند.

رییس بنیاد تیفا خواستار مشخص شدن کرسی‌های اختصاصی برای زنان شایسته شده، گفت: «کرسی‌های اختصاصی برای زنانی که در شوراها و ولسوالی‌ها کاندیدا می‌شوند، باید در نظر گرفته شود.

آقای ایوب زاده، اصلاحات انتخاباتی را در کشور یک اصل دانسته و تاکید کرد: آوردن اصلاحات یک اصل است که بدون آن دشوار خواهد بود که ما شاهد انتخابات سراسری، شفاف آزاد و عادلانه باشیم.

از سوی دیگر، شماری از اعضای نهاد مدنی نیز گفته‌اند تا زمانی که در پیوند به اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی کار نشود، اعتماد از دست رفته مردم به دست نخواهد آمد و شهروندان در انتخابات‌های آینده شرکت نخواهند کرد.

معاون دوم رییس جمهور وظیفه دار اصلاحات ارگ ریاست جمهوری اعلام کرده است که رییس جمهور غنی در آوردن اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی متعهد است.

ارگ ریاست جمهوری با پخش خبرنامه‌ی گفته که آقای غنی به محمد سرور دانش

معاون دوم خود وظیفه سپرده است تا در مشورت با کمیسیون انتخابات و جامعه مدنی، مسایل مربوط به اصلاحات در کمیسیون مستقل انتخابات را تشخیص کند.

در این خبرنامه همچنان آمده است: طرح پیشنهادی اصلاحات در نظام انتخاباتی کشور، از سوی جامعه مدنی به ریاست جمهوری موصلت ورزیده است و پس از مشورت‌های لازم با جامعه مدنی، احزاب سیاسی و متخصصین انتخابات، اصلاحات لازم در زمینه انجام خواهد شد.

خبرنامه ارگ افزوده که رییس جمهور غنی در جریان دیدار اخیرش با رییس و اعضای کمیسیون انتخابات، از آنها نیز خواسته بود

تا نظریات شان را در رابطه به اصلاحات در کمیسیون مستقل انتخابات به صورت یک طرح کلی و منسجم ارائه کنند تا اصلاحات در آن کمیسیون به طور شفاف و موثر تامین گردد.

با این حال، شماری از چهره‌های نزدیک به رییس اجرایی دولت وحدت ملی گفته‌اند که اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی باید مطابق به توافق صورت گرفته با ایجاد کمیسیون اصلاحات انتخاباتی به میان آید.

محمود صیقل مشاور داکتر عبدالله رییس اجرایی در صفحه فیسبوکش نوشته است:

در موافقت‌نامه تشکیل دولت وحدت ملی به وضاحت آمده است که «رییس جمهور بلافاصله بعد از تاسیس حکومت وحدت ملی، کمیسیون خاصی را با هدف اصلاح نظام انتخاباتی افغانستان (قوانین و نهاد های انتخاباتی) طی یک فرمان ایجاد می‌کند.

اعضای کمیسیون خاص با توافق رییس جمهور و رییس اجرایی تعیین می‌گردند. کمیسیون خاص در مورد پیشرفت کارها به رییس اجرایی گزارش می‌دهد و کابینه پیشنهادات این کمیسیون را بررسی کرده و اقدامات لازم را برای تطبیق آن روی دست می‌گیرد. لازم به تذکر است که تطبیق اصلاحات انتخاباتی باید قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی در سال ۱۳۹۴ صورت گیرد».

آقای صیقل افزوده است: فکر می‌کنم که این ماده موافقت‌نامه در مورد اصلاحات انتخاباتی وضاحت کامل دارد و

هرچیز دیگری برون از آن و کمتر از آن نه مورد قبول مردم افغانستان و نه مورد قبول جامعه جهانی قرار خواهد گرفت.

با این حال، اتحادیه اروپا نیز در جریان هفته گذشته گفت که اگر در کمیسیون‌های انتخاباتی اصلاحات به میان نیاید، خطر فروپاشی دولت وحدت ملی وجود دارد.

این اتحادیه هم‌چنان گفته است که بدون اصلاحات عمیق و بنیادی در کمیسیون‌های انتخاباتی، حاضر نیستند حتی یک دالر هم در راستای برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراها و ولسوالی افغانستان کمک کنند.



ورزش

رونالدو بهترین بازیکن تاریخ

لیگ انگلیس شد



مهاجم کنونی رئال مادرید اسپانیا عنوان بهترین بازیکن تاریخ لیگ انگلیس را بالاتر از همه بزرگان این لیگ از آن خود کرد.

با اینکه کریستیانو رونالدو ۶ فصل را در لیگ برتر انگلیس سپری کرده، روز پنجشنبه و به هنگام جشن گرفتن تولد ۳۰ سالگی‌اش توانست در یک رای گیری عنوان بهترین بازیکن تاریخ لیگ فوتبال انگلیس را کسب کند.

در این رای گیری که برای انتخاب بهترین بازیکن تاریخ لیگ برتر ترتیب داده شده بود، رونالدو پرتغالی موفق شد بالاتر از تیری آنری فرانسوی که برای آرسنال بازی می‌کرد و رایان گیگز ولزی که هم تیمی وی در منچستر یونایتد بود، رتبه نخست را به دست آورد.

رونالدو وقتی در سال ۲۰۰۳ توسط الکس فرگوسن به منچستر یونایتد برده شد، ۱۸ ساله بود. وقتی او در سال ۲۰۰۹ از یونایتد جدا و راهی رئال مادرید شد، با شیاطین سرخ موفق به کسب سه قهرمانی در لیگ برتر انگلیس، یک قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا و یک قهرمانی در جام حذفی شده بود و در همان سال نیز

مسی:

همیشه حسرت فینال جام جهانی را می‌خورم

مهاجم تیم ملی فوتبال آرژانتین اعلام کرده همواره حسرت فرصت‌هایی که در فینال جام جهانی به هدر داده‌اند را می‌خورد. تیم ملی آرژانتین در فینال جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل با تک گل ماریو گوتسه در وقت‌های اضافه مغلوب آلمان شد تا نتواند بار دیگر جام قهرمانی جهان را بالای سر ببرد.

لیونل مسی اکنون اعلام کرده تیمش در آن دیدار فرصت‌هایی برای گلزنی داشته که از آنها استفاده نکرده است. او به همین دلیل همیشه حسرت موقعیت‌هایی که از دست داده‌اند را می‌خورد. مسی در این باره گفت: چه می‌توانم بگویم؟ ناراحتم. ما شانس‌های خوبی داشتیم و می‌توانستیم در آن دیدار به پیروزی برسیم. شان‌های بهتر در طول دیدار از آن ما بود. از اینکه نتوانستیم در آن دیدار به پیروزی برسیم همواره حسرت می‌خورم.

مسی در دیدارهای ابتدایی جام جهانی درخشش خوبی داشت اما به خاطر اینکه نتوانست در مرحله‌های حذفی به درخشش خود ادامه دهد مورد انتقاد قرار گرفت اما در پایان جام جهانی، عنوان بهترین بازیکن جام به شکلی جنجالی به او داده شد.



به همت داوران پاکستانی

تیم افغانستان به پاکستان باخت



تیم فوتبال پاکستان در واپسین لحظات بازی در مقابل تیم فوتبال افغانستان به برتری رسید. جدال حساس تیم‌های افغانستان و پاکستان بعد از ظهر روز گذشته در شهر لاهور به میزبانی کشور پاکستان برگزار شد که سرانجام سفید و سبز پوشان پاکستان با حساب ۲ بر ۱ از سد رقیب دیرینه خود گذشتند و ضمن کسب ۳ امتیاز این دیدار دوستانه، انتقام شکست بازی رفت در کابل را نیز گرفتند.

در دقیقه ۲۱ محمد ریاض اولین گل بازی را برای پاکستان در نیمه نخست به ثمر رساند. در ادامه بازیکنان افغانستان حملات پراکنده‌ی بی روی دروازه پاکستان ایجاد کردند، اما بازی با برتری تیم فوتبال پاکستان در نیمه اول به کار خود پایان داد. در شروع نیمه دوم بازی حسین صالح مربی ایرانی افغانستان دست به انجام چند تعویض زد و ۴ بازیکن تازه نفس را وارد میدان

برای اصلاحات در کمیسیون‌ها بجنبید

اصلاحات در کمیسیون‌ها باید مطابق توافقنامه باشد

تشکیل دولت وحدت ملی است که رییس‌جمهور و رییس اجرائی تعهد سپرده اند که برای به میان آمدن این اصلاحات باید کمیسیونی زیر نام «اصلاحات انتخاباتی» با حضور نماینده‌گان دو طرف تشکیل دهنده دولت ایجاد شود. مسوولان در بنیاد انتخابات شفاف افغانستان یا تیفا روز پنجشنبه با برگزاری یک نشست خبری در کابل، خواهان ایجاد هر چه زودتر کمیسیون اصلاحات انتخاباتی و آوردن اصلاحات در ساختار کمیسیون‌های انتخابات شدند. نعیم ایوب زاده، رییس بنیاد انتخابات شفاف افغانستان در این نشست با بیان این مطلب که رهبران دولت ظاهراً خواستار اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی اند، گفت: «خواست ما از حکومت وحدت ملی این است که هر چه زودتر کار روی آوردن اصلاحات در نهادهای انتخاباتی را آغاز کنند.» آقای ایوب زاده تأکید کرد: بی‌اعتمادی زیادی در مورد انتخابات وجود دارد؛ ممکن است مردم نسبت به حکومت نیز بی‌اعتماد شوند. آقای ایوب زاده هم‌چنان گفت: آغاز این اصلاحات با میکانیسم ایجاد کمیسیون اصلاحات انتخاباتی می‌تواند موثر واقع شود. او گفت که اگر از همین حالا کمیسیون اصلاحات انتخاباتی شروع به کار نکند و سهل انگاری صورت بگیرد؛ زمان از دست می‌رود.

رییس بنیاد تیفا تصریح کرد: «زمانی که کمیسیون اصلاحات انتخاباتی شکل می‌گیرد، در رابطه با عضویت خانم‌ها هم توجه شود و تساوی جندر در نظر گرفته شود تا این که حضور خانم‌ها و مسایل مربوط به زنان را در اصلاحات انتخاباتی شامل سازند و این اصلاحات نباید مردانه باشد و نباید هم سیاسی.» آقای ایوب زاده به اشاره به نزدیکی زمان برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی گفت: اگر انتخابات شورای...

ادامه صفحه ۷



هارون مجیدی

شماری از نهادهای نظارت‌کننده انتخابات و نهادهای مدنی می‌گویند، رهبران دولت وحدت ملی باید هر چه عاجل برای آوردن اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی دست به کار شوند. آنان گفته اند اگر این اصلاحات به وجود نیاید، شهروندان دیگر به پروسه انتخابات باور نمی‌کنند. آوردن اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی، یکی از موارد درشت در توافقنامه

عبداللطیف پدرام:

ما داعیه‌دار "ستم ملی" هستیم

عبداللطیف پدرام نماینده مردم بدخشان در مجلس نماینده‌گان با راه‌اندازی نهادی به نام «شورای همبستگی تاجیکان افغانستان» می‌گوید، اگر عدالت اجتماعی در میان اقوام افغانستان تأمین نشود، تاجیکان خواهان زعامت در این کشور هستند. آقای پدرام که روز پنجشنبه در نخستین همایش این شورا در کابل صحبت می‌کرد گفت: «من از سالیان دراز در راه تأمین حقوق تاجیکان کار کرده‌ام و از سن دوازده سالگی به این طرف موضع من روشن بوده است.» آقای پدرام تأکید کرد: «ما داعیه‌دار ستم ملی در افغانستان هستیم و در این راه شهادی زیادی داده‌ایم که طاهر بدخشی، عبدالمجید کلکانی، مولانا باعث و دیگران از این شمار اند.» عبداللطیف پدرام هم‌چنان گفت: «کارد فاشیسم آنقدر گردن بریده است که حالا کُند شده و دیگر توان بریدن گردنی را ندارد.» «محفل انتظار» جریانی که در دهه پنجاه خورشیدی توسط محمد طاهر بدخشی در

وزارت مبارزه با مواد مخدر: نیم میلیون کودک و زن در افغانستان معتاد هستند



وزارت مبارزه با مواد مخدر می‌گوید که آمارهای جدید نشان می‌دهد که تا ۲۵۰ هزار زن و حدود ۲۵۰ هزار کودک در افغانستان معتاد مواد مخدر هستند. محمد ابراهیم ازهر، معین وزارت مبارزه با مواد مخدر به صدای امریکا گفت که سروی‌هایی که میان سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ صورت گرفته است، هم‌چنان نشان می‌دهد که مجموعاً حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر در داخل افغانستان به مواد مخدر معتاد هستند. او گفت که از جمع این معتادان، ۵۰۰ هزار نفر آن زنان و کودکان اند.

معین وزارت مبارزه با مواد مخدر گفت که یافته‌های جدید نشان می‌دهد که بین ۱۱۰ هزار تا ۲۵۰ هزار زن در افغانستان به مواد مخدر معتاد است. او افزود که این زنان ابتدا به تریاک رو آورده و زمانی که اثرگذاری آن کم شد، به هیروین رو می‌آورند.

به گفته آقای ازهر، اکثر معتادان زن در روستاهای دوردست ولایت‌های مرزی چون هرات، نیمروز، فراه، کندهار و ننگرهار استند؛ جایی که به گفته وی، آگاهی مردم در مورد مخدرات بسیار اندک بوده و از روی نفهمی این مواد به صفت دوا استعمال می‌شود و با گذشت زمان سبب اعتیاد می‌شود.

دختر جوان معتادی که حدود ۲۰ سال عمر دارد و از گرفتن نامش خود داری کرد، به صدای امریکا گفت که گاهگاهی سردرد می‌شد و برای تسکین درد تریاک استعمال می‌کرد تا اینکه معتاد شد.

صمیم جوان دیگر معتاد در شهر کابل می‌گوید که از ۱۳ سالگی به استعمال هیروین رو آورد. صمیم که حدود ۲۰ ساله به نظر می‌رسد، گفت که یک دلیل اعتیاد وی این است که مواد مخدر در شهر کابل به سادگی پیدا می‌شود. این جوان معتاد از حکومت می‌خواهد که معتادان را که هر روز به شمارشان افزوده می‌شود، در درمان و ترک اعتیاد کمک کند. صمیم می‌گوید که هر روز معتادان به خاطر بیماری یا هوای سرد از بین می‌روند.

براساس آمار وزارت مبارزه با مواد مخدر، هم اکنون در سرتاسر افغانستان حدود ۱۰۷ مرکز درمان معتادان در افغانستان وجود دارد که از آن جمله تنها ۲۸ مرکز آن در شهر کابل فعالیت دارد.

مسوولان وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان می‌گویند که برای درمان زنان و دختران معتاد نیز مراکز ویژه وجود دارد؛ اما به گفته آنان، بنا بر معاذیر فرهنگی و اجتماعی شمار زیاد خانواده‌ها زنان و دختران معتادشان را برای درمان به این مراکز نمی‌آورند.



افغانستان هسته‌گذاری گردید، بعدها به ستم ملی مشهور شد. هوادان بدخشی می‌گویند که آن جریان برای تأمین عدالت اجتماعی در افغانستان به میان آمده بود. اعضای «شورای همبستگی تاجیکان افغانستان» با خوانش منشور این شورا گفتند که ایجاد این شورا به معنی مخالفت با اقوام دیگر ساکن در افغانستان نیست، بل در زمینه دادخواهی و تأمین عدالت کار خواهند کرد.

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از 1 اسی 30 روز	از 31 اسی 80 روز 20% تخفیف	برای 180 روز 40% تخفیف
1	قسمت بالای صفحه کنار لوگو	14/4 cm	\$ 60	\$ 48	\$ 36
2	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	\$ 250	\$ 200	\$ 150
3	پنر در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	\$ 70	\$ 56	\$ 42
4	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	\$ 350	\$ 280	\$ 210
5	قسمت بالای صفحه اخیر	12/6 cm	\$ 100	\$ 80	\$ 60
6	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	\$ 250	\$ 200	\$ 150
7	در قسمت بالای وب سایت		برای 7 روز \$ 400	برای 14 روز \$ 600	برای 30 روز \$ 1200